



## مبنای فقهی - حقوقی قراردادهای پیش فروش خودرو

پدیدآورده (ها) : شعاریان ستاری، ابراهیم  
جغرافیا :: جغرافیا و برنامه ریزی :: بهار و تابستان و پاییز و زمستان 1376 - شماره 5 (ISC)  
از 89 تا 100  
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/830320>

دانلود شده توسط : ابراهیم شعاریان ستاری  
تاریخ دانلود : 04/04/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## مبنای فقهی - حقوقی قراردادهای پیش فروش خودرو

### طرح بحث :

اتومبیل بعنوان یک ضرورت اجتماعی چنان با زندگی انسانها عجین شده که امروزه آنرا بصورت نه یک وسیله صرفاً تجملی بلکه ابزاری که زندگی بدون آن دچار اختلال می‌گردد معرفی می‌نماید توسعه شهرها مهمترین عاملی است که مردم را به این وسیله مهم ارتباطی ناگزیر می‌سازد و کشورهای مختلف نیز به طرقی نظیر ایجاد تسهیلات حمل و نقل عمومی سعی در حل مشکلات یاد شده دارند. پائین بودن میزان عرضه نیز در برخی کشورها مشکلی مضاعف در تهیه این وسیله ضروری ایجاد می‌نماید پس باید طریقی برگزید و عدم تناسب عرضه و تقاضا را بنحوی حل کرد. یکی از روشهای حل این ناهماهنگی فروش پیشاپیش کالا توسط تولیدکنندگان می‌باشد زیرا میزان تقاضا هنگامی که کالا پیش فروش می‌گردد پایین آمده و به میزان عرضه نزدیکتر می‌گردد مضافاً بر آنکه فروش نقدی ممکن است بی‌عدالتی‌هایی را در مقام توزیع سبب گردد<sup>(۱)</sup> از اینرو می‌توان نتیجه گرفت که علی‌الاصول اتخاذ چنین تدابیری برای فروش کالایی که

---

\* عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه تبریز

۱- البته یکی دیگر از دلایل پیش فروش کالا، وضعیت نامطلوب نقدینگی سازنده کالا است که با پیش‌فروش محصولات خود سعی در جذب نقدینگی دارد.

عرضه آن کم و تقاضا نسبت بدان زیاد است راه حل معقول و منصفانه‌ای می‌باشد. منتهی آنچه در این خصوص اهمیت می‌یابد نحوه و شکل قراردادهای پیش‌فروش است.

در مرداد ماه سال ۱۳۷۳ شرکت ایران خودرو طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که متقاضیان خرید پیکان ۱۶۰۰ می‌توانند با واریز مبلغ ۱۴۵۰۰۰۰۰ ریال با شرکت قرارداد منعقد نمایند همچنین شرایطی هم برای اولین بار در قرارداد مذکور مورد پیش‌بینی قرار گرفت. از جمله شرایطی که در قرارداد موصوف بدان اشاره شد نحوه قیمت‌گذاری کالا بود به نحوی که بند ۲ شرایط قرارداد مقرر می‌داشت به هنگام تحویل، ثمن معامله یک میلیون ریال کمتر از قیمت روز بازار محاسبه خواهد شد مضافاً آنکه به ازای هر ماه ودیعه تودیمی، ۱/۲۵٪ از قیمت معامله کسر خواهد شد. بطوریکه ملاحظه می‌شود در قراردادهای موصوف بهای مورد معامله معین و معلوم نیست و بستگی به شرایط زمان تحویل خواهد داشت، سؤال اساسی که انگیزه نگارش این مختصر بوده این است که آیا از نظر شرعی و قانونی می‌توان چنین قراردادهایی را صحیح و نافذ تلقی کرد یا خیر؟

اگر چنانچه قیمت مورد معامله مجهول بوده و طرفین قرارداد نیز به همین ترتیب توافق نموده باشند آیا حقوق و شرع نیز بر آن صحنه می‌گذارد و در صورت منفی بودن پاسخ آثار قانونی چنین قراردادهایی چیست؟

مسئله حاضر از آن جهت حائز اهمیت است که تولیدکنندگان دیگری نیز نظیر شرکت پارس خودرو برابر اطلاعیه منتشره در شماره ۶۳۳ روزنامه همشهری مورخ ۷۳/۱۲/۸ به اقدام مشابهی دست زده و محصولات خود را پیش‌فروش می‌نمود. جالبتر آنکه در قراردادهای موصوف (مربوط به نیسان پاترول و جیب صحرا) نه تنها خود ثمن معامله مجهول است بلکه میزان مبلغ قابل کسر از قیمت بازار نیز مبهم و غیرمعین است در اطلاعیه مذکور چنین آمده است (ضمناً در زمان تحویل خورو و تسویه حساب متناسب با طول زمان تحویل سالانه ۲۰ درصد تخفیف به آن تعلق گرفته و از بهای فروش مصوب (که فعلاً مجهول است) کسر خواهد شد. بهای فروش زمان

تحویل نیز مبلغی کمتر از قیمت روز (که آن نیز مجهول است) در زمان تحویل خواهد بود). همچنین بانک مرکزی نیز در اقدام به پیش فروش سکه و برخی از شرکتهای ساختمانی در پیش فروش آپارتمان و شرکتهای دیگری از جمله شرکت سایپا نیز در پیش فروش تولیدات خود برابر آگهی منتشره در شماره ۸۹۷ روزنامه همشهری مورخ ۷۴/۱۱/۱۱ روش مشابهی را در پیش گرفته‌اند. و این روند تاکنون در پیش فروش بسیاری از کالاها ادامه یافته و روش جدیدی را در معاملات شایع ساخته است. قبل از بیان مبنای فقهی و حقوقی چنین قراردادهایی لازم به توضیح خواهد بود که از نقطه نظر اقتصادی چه بسا ممکن است توجیهاتی نسبت به قضیه معمول گردد اما آنچه مورد بحث است صرفاً بیان موقعیت حقوقی چنین توافقیهای<sup>(۱)</sup> است به عبارت دیگر آیا ضرورت‌های اقتصادی عدول از اصول و قواعد حقوقی را توجیه‌پذیر خواهد نمود یا خیر؟

### الف) ماهیت حقوقی قراردادهای پیش فروش

در خصوص تشریح ماهیت حقوقی قراردادهای مورد بحث می‌توان به بیع سلم و سلف، بیع کلی و یا قراردادهای مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی اشاره نمود از این رو بایستی بدو روشن ساخت که چنین قراردادی مشمول ماده مذکور است یا بیعی با ویژگی‌های خود می‌باشد. هرچند که نهایتاً خواهیم دید صرف نظر از شناسایی ماهیت قرارداد یاد شده پاسخ نهایی مسئله یکسان خواهد بود.

۱- بیع سلم و سلف: در تعریف قرارداد مذکور بیان شده بیعی است که ثمن حال و مبیع مؤجل است به عبارت دیگر خریدار ابتدائاً ثمن معامله را پرداخت می‌کند و فروشنده متعهد می‌گردد در موعد معینی نسبت به تحویل کالا اقدام نماید. از شرایط بیع

۱- توافق دو اراده در قراردادهای پیش فروش کالا با پیشنهاد شرکت تولید کننده آغاز می‌شود که در توافق مورد بحث از طریق آگهی در روزنامه به اطلاع عموم می‌رسد و سپس با واریز پیش پرداخت از طرف متقاضی به حساب تولید کننده، قبول نیز ضمیمه ایجاب گردیده و عقد محقق می‌شود و لزومی ندارد که حتماً قرارداد کتبی تنظیم و بلافاصله امضاء شود زیرا نحوه اعلام قبولی که همان واریز مبلغ پیش پرداخت می‌باشد توسط خود ایجاب کننده معین شده است.

مذکور معلوم و معین بودن مقدار و وصف ثمن و قبض تمام آن در مجلس عقد است که مورد تایید فقهاء می‌باشد اما سؤال این است که اگر تمام ثمن در مجلس عقد قبض نشده و به عبارتی به فروشنده پرداخت نگردد باز هم عنوان بیع سلم بر قرارداد صادق است یا نه؟

برخی از فقهاء معتقدند اگر قسمتی از ثمن تأدیه گردد بیع نسبت به آن قسمت صحیح و نسبت به بقیه باطل خواهد بود<sup>(۱)</sup> برخی دیگر نیز اعتقاد دارند اگر قسمتی از ثمن قبض گردد و برای بقیه ثمن اجل قرار داده شود کل عقد باطل می‌باشد<sup>(۲)</sup>. با عنایت به اینکه قدر متیقن نظر فقهاء مثبت بطلان بیع سلم و سلف حداقل نسبت به قسمت تأدیه نشده ثمن می‌باشد، لذا از نظر فقهی قابلیت گنجایش قراردادهای پیش‌فروش یاد شده به لحاظ مؤجل بودن قسمتی از ثمن آن با بیع سلم و سلف حمل تردید است هرچند که عدم تجزیه قرارداد پیش‌فروش خودرو به عقود متعدده که ناشی از عدم امکان تجزیه مورد معامله (خودرو) می‌باشد در فرض حاضر عدم انطباق عقد مذکور با بیع سلم و سلف را تقویت می‌نماید.

۲- بیع عهدی یا ماده ۱۰: اگرچه مطابق ماده ۳۶۱ قانون مدنی موجود بودن مبیع هنگام انعقاد عقد از شرایط اساسی صحت بیع تلقی شده ولی شرط مزبور در عقد عهدی بیع کلی فی‌الذمه لازم‌الرعايه نمی‌باشد و همین اندازه که مبیع هنگام تسلیم نه زمان انعقاد عقد) وجود خارجی داشته باشد کفایت می‌کند و عده‌ای از حقوق‌دانان نیز قرارداد پیش‌فروش محصولات کارخانه هواپیماسازی و اتومبیل‌سازی را از مصادیق بیع کلی

۱- محقق حلی، مختصر نافع، به اهتمام محمد تقی دانش پژوه، ص ۱۱۷۵ شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۶۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۴۴ عبدالرحمان الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ص ۳۰۴ به بعد؛ عبدالرزاق احمدالسنهوری، الوسیط، ج ۴، ص ۲۲۲؛ قانون عقود و تعهدات لبنان در ماده ۴۸۷ در تعریف بیع سلف صراحت دارد براین که ثمن باید از نمود معین باشد و در ماده ۴۸۸ همان قانون تسلیم کل ثمن را شرط بیع سلف دانسته است (الوسیط، ج ۴، ص ۲۲۴) لاهوتی، بدایع الاحکام فی فقه الاسلام، ص ۱۷۸.

۲- شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۱، ص ۳۱۶ و مسالک الافهام، ص ۲۱۲

فی الذمه بیان داشته‌اند<sup>(۱)</sup> هر چند قرارداد مباحث عنه با اوصاف بیع کلی فی الذمه مطابقت دارد با این حال چنانچه مبنای صحت معامله را اطلاق آیه «اوفوا بالعقود»<sup>(۲)</sup> و حدیث «المؤمنون عند شروطهم» و اصل صحت و قاعده «العقود تابعة للقصود» و ملاً ماده (۱۰) قانون مدنی قرار دهیم از حقیقت دور نیافتاده‌ایم.

### ب) شروط ضمن عقد

متعاقبین در حدود قوانین و بسته به اوضاع و احوال خاص می‌توانند شرایطی را در قرارداد پیش‌بینی نمایند و درج چنین شروطی در عقود معین و غیرمعین امکان‌پذیر است لیکن از آنجایی که برخی از شروط پیش‌بینی شده در قرارداد به ارکان اساسی معاملات یا مقتضای ذات عقد خلل وارد می‌نماید قانونگذار در ماده ۲۳۲ به بعد قانون مدنی احکامی را مقرر داشته و برخی از شروط را باطل تلقی نموده است. بطلان شروط یاد شده نیز در مواردی آسیبی به عقد اصلی وارد ننموده لیکن در مواردی که قانونگذار شرط مورد توافق را خلاف ارکان اساسی معاملات می‌یابد فساد شرط را به عقد سرایت داده و کل توافق را باطل می‌شمارد. *کامپوز علوم اسلامی*

بند ۲ ماده ۲۳۳ یکی از این موارد است که مقرر می‌دارد: «شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود باطل و موجب بطلان عقد است».

اگرچه قرارداد مباحث عنه فی نفسه نافذ و معتبر تلقی می‌شود اما این سؤال هنوز باقی است که شرط ناظر به تعیین ثمن در آینده توسط فروشنده و بالتیجه مبهم و نامعین بودن عوض معامله (قیمت) از نظر فقهی و حقوقی بلاشکال است یا اینکه موجب جهالت به عوضین و بطلان عقد اصلی است.

۱- مبنای فقهی شرط: بحث یاد شده در فقه تحت عنوان معامله غرری<sup>(۳)</sup> بیان شده

۱- دکتر ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ص ۱۷۵، عقود معین ج (۱) ص ۱۰۷، دکتر سید حسن امامی،

۲- سوره مائده، آیه ۱

حقوق مدنی، ج ۱، ص ۲۱۵

۳- غرر در لغت به معنی هلاک افتادن و خطر و در اصطلاح خرید و فروش چیزی که خریدار و فروشنده به کنه آن پی نبرند می‌باشد. (فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۴۷۴) و نباید آن را با غبن اشتباه گرفت زیرا در غبن عوضین (ثمن و مثن)

و عامه و خاصه آن را باطل تلقی و به حدیث نبوی «نهی النبی (ص) عن بیع الغرر» استناد می‌نمایند و معتقدند یکی از اقسام معامله غرری معامله‌ای است که جهل به عوضین (ثمن یا مئمن) در آن وجود دارد و به عبارتی خریدار نمی‌داند کالای مورد توافق را به کدامین قیمت تملک خواهد کرد.

شهید ثانی در شرح لمعه<sup>(۱)</sup> مقرر می‌دارد ثمن باید قبل از عقد معین گردد و اگر بیعی واقع شود و بعداً تعیین قیمت به عهده متعاقدین یا ثالث باشد به علت وجود غرر صحیح نمی‌باشد. و در بدایة‌المجتهد<sup>(۲)</sup> چنین نقل شده که جهل به وصف و مقدار ثمن سبب غرر بوده و معامله را باطل می‌سازد و در کتاب الفقه علی‌المذاهب الاربعه در معقود علیه که همان ثمن یا مئمن است معلوم بودن شرط است و علم به ثمن که مانع از منازعه بعدی باشد لازم تلقی شده است و مذاهب عامه و خاصه بر این امر متفقند<sup>(۳)</sup> همچنین نمی‌توان در معامله تعیین ثمن را به اختیار یکی از متعاملین محول کرد بطوری که برخی از فقها تصریح به بطلان چنین معامله‌ای نموده‌اند<sup>(۴)</sup> گفتنی است بفرض آنکه قرارداد مبحوث

معلوم و معین می‌باشد لیکن بین آن دو تعادل عرفی وجود ندارد در حالیکه یکی از اقسام معامله غرری معامله‌ای است

۱- شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۱، ص ۲۸۵.

که جهل به ثمن در آن وجود دارد.

۲- احمد بن رشد قرطبی، بدایة‌المجتهد، جزء دوم، ص ۱۴۷ و ۱۷۰.

۳- عبدالرحمن الجزیری، الفقه علی‌المذاهب الاربعه، ص ۱۶۵ الی ۱۶۹، علامه حلی، تبصرة المتعلمین، چاپ اسلامیة،

ص ۲۴۷؛ مختصر نافع، محقق حلی، ص ۱۵۲؛ شیخ انصاری، مکاسب، چاپ سنگی، ص ۲۸۰؛ تحریر الوسیله، ج ۱،

ص ۵۱۵ و ۵۱۶؛ (علامه حلی، تذکره، ج ۱، کتاب بیع؛ میرفتاح، عنوانین، ص ۲۵۲؛ میرزائینی و شیخ موسی خونساری،

منیة الطالب، ج ۲، ص ۱۲۰؛ آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، حاشیه مکاسب، ص ۲۴۲؛ شیخ محمد حسن نجفی،

جواهر الکلام، ج ۲۳، ص ۲۰۲؛ ملا احمد نراقی، عواید الایام، ص ۵۰؛ سید محمد کاظم طباطبائی، حاشیه مکاسب، ج ۲،

ص ۱۱۶؛ بجنوردی، قواعد فقه، ج ۳، ص ۲۴۷، به نقل از دکتر ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، ص ۱۸۸ و

(۱۸۹) و (وسائل الشیعه، کتاب تجارت، باب ۴۰؛ مستدرک الوسائل، کتاب تجارت، باب ۳۱، به نقل از سید محمد موسوی

بجنوردی، قواعد فقهیه).

۴- در فقه رجوع کنید به: شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۱، ص ۲۸۵؛ محقق حلی، مختصر نافع، به اهتمام محمد نقی

دانش پژوه، ص ۱۵۱ و ۱۵۲؛ محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۱۷؛ و در حقوق: دکتر ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی

عنه بیع سلم تلقی گردد در آن عقد نیز معلوم بودن ثمن شرط صحت معامله است و از آنجائی که قبض ثمن در مجلس عقد از لوازم بیع سلف است بنابراین تسلیم ثمن نشانگر معین بودن آن خواهد بود.

۲- مبنای حقوقی شرط: از نظر حقوقی صراحت بند ۲ ماده ۲۳۳ ق.م. که از نظر فقهای متأخر امامیه اقتباس شده در بطلان معامله‌ای که ثمن آن مجهول و موجب جهالت به عوضین است شبه‌ای باقی نمی‌گذارد و علمای حقوق نیز به تاسی از آن چنین معاملاتی را باطل دانسته‌اند.<sup>(۱)</sup>

باید افزود حکم قانون مدنی در ماده ۲۳۳ از قواعد امری<sup>(۲)</sup> تلقی می‌شود و به دیگر سخن طرفین قرارداد نمی‌توانند ولو با تراضی اثر آن را خنثی سازند نیز می‌دانیم در قراردادهای مباحوث عنه خریدار و فروشنده سود و زیان خود را می‌سنجند و تسامح و اغماض در توافق آنان راه ندارد تا حتی علم اجمالی نیز بر شرایط عوضین معامله را موجه سازد<sup>(۳)</sup> مضافاً بر آنکه حکم بند ۲ ماده ۲۳۳ قانون مدنی در کلیه عقود مغایبه از جمله قرارداد مورد بحث جاری است بطوری که برخی با وجود ماده ۱۰۹۵ قانون

قراردادها، ج ۳، ص ۷۶

۱- مرحوم دکتر سید حسن امام، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۲۰۹ و ۲۸۱؛ دکتر ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، ص ۱۶۷ و ۱۸۸؛ مصطفی عدل، حقوق مدنی، ص ۱۴۰؛ دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی دائرةالمعارف علوم اسلامی و قضای، ج ۱، ص ۱۳۸.

۲- قواعد امری در مقابل قواعد تکمیلی و تفسیری قرار داشته و طرفین نمی‌توانند برخلاف مفاد قوانین موضوعه توافق نمایند در غیر این صورت توافق مزبور بلااثر است در حالیکه در قواعد تکمیلی، طرفین می‌توانند با تصریح در عقد برخلاف قانون نیز تراضی نمایند.

۳- قراردادها به اعتباری به عقد مسامحه و مغایبه تقسیم می‌گردند در عقود مسامحه، بنای طرفین برگذشت و اغماض بوده و تعادل ارزش عوضین برای آنان جنبه فرعی دارد لذا علم اجمالی به عوضین به اعتبار عقد خللی وارد نمیکنند لیکن در عقود مغایبه که غبن در آن راه دارد طرفین در جهت حفظ منافع خود، به تعادل ارزش عوضین توجه داشته بطوری که اگر این تعادل لحاظ نشود مغیوب حق فسخ معامله را خواهد داشت بنابراین علم متعاقدين به میزان و اوصاف عوضین در اینگونه معاملات ضرورت دارد.



مدنی که عدم ذکر مهر در نکاح منقطع را سبب بطلان نکاح دانسته به بند ۲ ماده ۲۳۳ قانون مدنی نیز در بلااثر بودن چنین نکاحی استناد کرده‌اند<sup>(۱)</sup>

۳- پاسخ اشکال: بنظر می‌رسد شرط ناظر به قیمت‌گذاری خودرو در قراردادهای پیش‌فروش به علت مجهول بودن ثمن معامله و اینکه به هنگام عقد قرارداد خریدار و فروشنده علم به قیمت معامله ندارند موجب بطلان شرط مذکور خواهد بود و فساد شرط به عقد سرایت و قرارداد را باطل خواهد ساخت همچنین فقهای عامه و خاصه نیز در بطلان چنین قراردادهایی تردید نداشته و از مصادیق غرر می‌پندارند پس قرارداد مبحوث عنه مبنای موجه شرعی و حقوقی را فاقد است و به دیگر سخن نه شرع مقدس اسلام چنین قراردادی را تایید نموده و نه ماده ۲۳۳ ق.م. بر آن صحه می‌گذارد.

### ج - طرق پیشنهادی

براین مشکل تدبیری باید نمود و با شرایط و یا قیمت خرید مواد اولیه و دلایل خاص اجتماعی و اقتصادی توافقی مورد پذیرش قانون ارائه داد. اگر افزایش نرخ ارز موجب می‌گردد تا کارخانه با تعیین پیشاپیش و قطعی قیمت و پیش‌فروش کالا متضرر شود و بواسطه فزونی بهای مواد اولیه و ملزم بودن خود به تعهدی که براساس شرایط قبلی منعقد کرده متحمل زیان شود باید روشهای سالم اتخاذ کرد نه آن‌که بدون توجه به قوانین مدونه و قواعد فقهی چنین شروط باطلی را در قرارداد گنجانند. راه‌حلی‌هایی که در این خصوص می‌تواند گره‌گشا باشد عبارتند از:

۱- کاهش زمان تحویل کالا و قطعی نمودن بهای آن به هنگام عقد قرارداد: در صورتی که زمان تحویل خودرو از مدت ۱۰ ماه مثلاً به ۳ ماه یا کمتر کاهش یابد احتمال افزایش بیش از حد مواد اولیه و بالتیجه تضرر تولیدکننده بلحاظ افزایش هزینه‌ها متفی خواهد بود در قراردادهای با تحویل کوتاه مدت می‌توان با حفظ اصول و ضوابط شرعی و قانونی با قطعی نمودن ثمن معامله نسبت به عقد قرارداد اقدام نمود و

۱- مرجوم دکتر سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۴، ص ۳۷۰

تغییر جزئی هزینه‌های تولید نیز قابل اغماض خواهد بود.

۴- پیش‌بینی تعدیل قرارداد: اصل حاکمیت اراده و ثبات قراردادها اقتضاء می‌کند توافق متعاملین محترم و الزام‌آور باشد و تغییری در آن صورت نگیرد و ماده ۲۱۹ قانون مدنی نیز در این راسته مقرر می‌دارد «حقوقی که برطبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آنها لازم‌الاتباع است...» لیکن تحت شرایط خاصی عدالت و انصاف ایجاب می‌کند که قرارداد با شرایط جدید یا ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی تطبیق و تعدیل یابد. متعاقدين می‌توانند شرطی در قرارداد خود پیش‌بینی نمایند که بموجب آن تحت شرایط معینی متن قرارداد و شرایط مندرج در آن مورد تعدیل واقع شود که این قسم به تعدیل قراردادی مشهور است<sup>(۱)</sup> اگرچه عدم ذکر شرط تعدیل قرارداد، اصل تعدیل را منتفی نمی‌سازد لیکن سهولت کار اقتضاء می‌کند تعدیل و نحوه و جزئیات آن در متن قرارداد اصلی بیان گردد<sup>(۲)</sup> رجوع به نظر کارشناس یا داور ثالث می‌تواند از تدابیر مورد نظر باشد.

اول) نظر کارشناس: اگر در متن قرارداد چنین پیش‌بینی شود که هنگام درخواست یکی از متعاملین کارشناس رسمی نسبت به تجزیه و تحلیل وقایع موجود اقدام نموده و نظریه کارشناسی وی برای متعاقدين لازم‌الاتباع باشد دیگر نیازی برای اقامه دعوی در دادگاه و صرف هزینه و اتلاف وقت نخواهد بود و براهتی تغییر جزئیات مورد توافق در آینده ممکن است در مانحن فیه تولیدکننده خواهد توانست به استناد افزایش بی‌رویه نرخ ارز و بالتبجه بالا رفتن هزینه تولید از کارشناس رسمی تقاضای تجدید نظر در شرایط از جمله ثمن قرارداد را نماید و نظر کارشناس که با بررسی اسناد و مدارک تولید

۱- جهت مطالعه بیشتر در خصوص تعدیل قرارداد، رجوع کنید: دکتر ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، ص ۷۲ به بعد.

۲- در صورت عدم درج شرط تعدیل قرارداد، خواهان تعدیل باید از طریق دادگاه و علیه یکایک و دیسه‌گذاران و مشتریان اقامه دعوی تعدیل به عمل آورد لیکن به نظر می‌رسد علاوه بر متمذر بودن چنین اقدامی رویه قضائی نیز در استماع چنین دعوی تردید داشته باشد.

کننده همراه است می‌تواند رافع مشکل باشد.

دوم) انتخاب داور ثالث: متعاقدین می‌توانند در تعدیل قرارداد نظر داور مرضی الطرفین (ثالث) را بپذیرند و داور نیز به درخواست یکی از طرفین یا هر دوی آنها در صورت تحقق شرایط تعدیل نسبت به تغییر جزئیات توافق اقدام خواهد نمود. البته باید مبنای تعدیل داور (یا کارشناس رسمی) معین گردد زیرا در غیراینصورت بازهم مجهول ماندن شرط موجب جهالت در عوضین و بطلان عقد اصلی خواهد بود<sup>(۱)</sup> (بند ۲ ماده ۲۳۳ ق.م) در مانحن فیه فی‌المثل می‌توان سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان یا هر شخص حقوقی<sup>(۲)</sup> منصفی را بعنوان داور تعدیل پذیرفت تا نظری و ملاک عمل باشد، داور نیز در حدود اختیارات خود خواهد توانست دلایل تعدیل خواه را بررسی و اعلام نظر نماید.

توهم نشود با وجود داور تعدیل و احتمال تغییر ثمن معامله بازهم غرر باقی است زیرا در ابتدای قرارداد ثمن معین و ثابت است و احتمال دارد هیچگاه به تعدیل نینجامد و حتی بفرض تعدیل، دارای مبنای موجه می‌باشد.<sup>(۳)</sup>

تعدیل قرارداد حتماً بایستی توسط داور ثالث صورت گیرد و اختیارات وی محدود و مشخص باشد زیرا چنانچه تغییر شرایط قرارداد از جمله ثمن پیش‌بینی شده بعهده یکی از متعاملین محول گردد و مقرر شود بهای قطعی معامله بر مبنای نرخ روز و مثلاً توسط فروشنده (تولیدکننده) معین گردد بی‌شک ثمن مجهول فرض شده و معامله نیز به لحاظ غرر باطل خواهد بود<sup>(۴)</sup> زیرا احتمال هرگونه اعمال حق یک طرفه در چنین

۱- دکتر ناصر کاتوزیان، مرجع یاد شده، ص ۷۴

۲- انتخاب شخص حقیقی به عنوان داور تعدیل ممکن است مشکلات بیشتری در پی داشته باشد از جمله آنکه فوت یا حجر شخص حقیقی می‌تواند مانعی در راه تعدیل ایجاد نماید.

۳- نمونه‌ای از اینگونه تعدیل در شرایط عمومی پیمان پیش‌بینی شده که قیمت‌ها و دستمزدها در قراردادهای پیمانکاری با مبنای مشخصی مورد تعدیل واقع می‌گردد (دراین خصوص به ماده ۳۷ مکرر شرایط عمومی پیمان مراجعه شود).

۴- دکتر ناصر کاتوزیان مرجع یاد شده، ص ۷۶

شرطی مشهود است.

۳- شرط پرداخت به طلا: از آنجائیکه کاهش ارزش پول رایج و افزایش نرخ ارز از یک سو و تعیین و تثبیت قیمت معامله که با فاصله زمانی نسبتاً مدیدی بین انعقاد قرارداد و تحویل کالا همراه است موجب تضرر احتمالی تولیدکننده در پیش فروش کالا خواهد شد لذا در قراردادها می توان بهای معامله را با طلا سنجید.

چون علیرغم کاهش ارزش پول، طلا منزلت خود را حفظ میکند، در نکاحنامه‌ها نیز مرسوم است که مقداری سکه طلا را به عنوان مهر در نظر می‌گیرند، زیرا معمولاً ادای مهریه مدتها به تأخیر می‌افتد و تعیین سکه به عنوان مهریه و کاهش بعدی ارزش پول لطمه‌ای به میزان واقعی مهر وارد نمی‌سازد.

در قراردادهای پیش فروش کالا نیز ثمن معامله می‌تواند مقداری طلا معین شود چرا که متعلق ثمن می‌تواند غیراز وجه نقد نیز باشد.

باید افزود هرچند راه حل یاد شده نفوذ حقوقی دارد لیکن درج آن در قراردادها بویژه هنگامی که تولیدکننده زیرمجموعه‌ای از دولت باشد ممکن است نوعی اقرار به بی‌ارزش بودن پول ملی قلمداد شده و بی‌اعتمادی نسبت به پول رایج مملکتی را موجب شود و در سایر قراردادها نیز گسترش بی‌رویه یابد.

نتیجه بحث: النهایه گفتنی است اگر چنانچه تولیدکننده بطور یکجانبه و با استفاده از موقعیت برتر خود بهای مورد معامله را حتی بسیار گرانتر از حد معمول و قیمت تمام شده معین سازد از نظر حقوقی چنین توافقی معتبر تلقی می‌شود و تنها شیوه مقابله با چنین توافق ناعادلانه‌ای استناد به خیار غبن است که در مانحن فیه اغلب به جهت بالا بودن نرخ آزاد کالا (اتومبیل) از قیمت کارخانه دعوی غبن نیز ثمربخش نخواهد بود و نتیجه نهایی نفوذ و اعتبار قرارداد می‌باشد زیرا در آن جهالت به عوضین راه ندارد لیکن چنانچه تولیدکننده بدون تعیین قیمت مبادرت به انعقاد قرارداد نموده و خود رأساً اختیار قیمت‌گذاری را به عهده گیرد و مصرف‌کننده نیازمند نیز تحت شرایط اضطراری به قبول آن تن در دهد حقوق و شرع این معامله را به لحاظ سرایت شرط مجهول به

عوضین باطل می‌سازد حتی اگر قیمت‌گذاری آتی نیز بسیار منصفانه صورت پذیرد زیرا اقدام آتی در تعیین قیمت آثار قانونی ایجاد شده به هنگام عقد قرارداد را (که همان بطلان معامله است) زایل ننموده و تغییری در ماهیت معامله غرری نخواهد داد.

اشکال عمده‌ای که باقی است تکلیف ناشی از ابطال چنین قراردادهایی است بی‌گمان هریک از طرفین قرارداد خواستار ابطال معامله باشند دعوی مزبور قابلیت استماع در دادگاه را خواهد داشت اما پیامدهای اجتماعی ناشی از ابطال و تضییع حقوق ودیعه‌گذاران ما را در انتخاب راه‌حل منصفانه و عادلانه‌ای دچار مشکل می‌سازد بی‌شک زیانهای ناشی از ابطال معامله برای خریدار به مراتب بیشتر از زیانهای ناشی از غرر در معامله است اگر معامله باطل گردد تولیدکننده اعتبار تجاری خود را از دست رفته می‌بیند و خریدار ودیعه‌گذار پس از مدت‌ها انتظار همان وجهی را دریافت می‌دارد که بواسطه کاهش ارزش پول دیگر آن قدرت خرید را ندارد. پس مصلحت ایجاد می‌کند قراردادهای مزبور معتبر تلقی گردد اما جلوگیری از شیاع و گسترش چنین قراردادهایی نیز ضروری است که اگر مهار نشود شاهد تسری آن به همه خدمات و کالاهای مشابه خواهیم بود. نتیجه‌ایکه هیچ‌انسان منصفی نمی‌پذیرد. پس تمهیدی دیگر باید اندیشید تا ارزش‌ها، اصول و قواعد حقوقی، وجه‌المصالحه ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی فرار نگردد.